



خیلواکی

استقلال

www.esteqaal.net

انارگل خوستی

پنجشنبه ۱۴ می ۲۰۲۶

دیده درایی و چشم پارگی هم حدی دارد

از مدتهاست که وبسایت های معلول الحال میدان تاخت و تاز و یاهو سرایی تفاله های حزب منحل و ناکام کمونیست خلق و پرچم قرار گرفته است و این اشخاص از هیچ نوع تبلیغات برای سفید ساختن بد نام ترین دوره تاریخ افغانستان عزیز یعنی کودتای هفت ثور تا سقوط رژیم منفور شان به دست فرزندان دلیر آن سر زمین که با فدا نمودن جان های عزیزشان دوباره آزادی کشور را بدست آوردند، دریغ نمی کنند.

این شخص بنام عبدالواحد سادات که قبلاً نیز در مورد چرندیاتش اشاره شده است، اما این ها آنقدر دیده درا و بی ننگ و عار تشریف دارند که اصلاً به نام شرم چیزی در وجود منفور شان موجود نیست که نیست.

مضمون اخیر این شخص تحت عنوان "**از شمس النهار تا تجدد....**" اگر هموطنان متوجه شده باشند از اغلاط متفرقه املائی و انشائی و گرامری پُر است، زیرا این اشخاص تاریخ زده از هوش مصنوعی استفاده نموده و بدون کوچکترین اصلاح بیگاه و پگاه مضامین بی سر و بی پای شان را حواله وبسایت ها می نمایند.

از مدتهاست که این اشخاص در وبسایت های معلول الحال یاهو سرایی سر می دهند و همیشه از چهارده سال خون و وحشت و دهشت و فروش وطن به بادر شان و سرافکنگی تمام اعضای این دوره ناکام، خیز می زنند. در بین این بی ننگ های تاریخ افغانستان حتی یک نفر هم پیدا نشد که از ملت آزاده افغان به خاطر خیانت به وطن و ملت و حالت فعلی افغانستان که مسبب اصلی آن همین کودتاچیان هفتم ثوری اند، معذرت بخواهند. اما به بسیار دیده درایی در مورد تاریخ افغانستان می خواهند نظر بدهند، و از نظریات شان بوی خیانت به مشام می رسد.

تنها این شخص نیست، تعداد شان مانند یک آشفته حال دیگر، که گاهی عاشق دلباخته این و گاهی از آن می گردد و تاریخ پنجهزار ساله افغانستان را فقط به ده سال ۱۹۱۹ - ۱۹۲۹ خلاصه می کند. عنوان نوشته اخیر وی:

«مردی که با یک دهه هزار سال را شکست»

« آنگاه که یک مرد، یک ملت را از نو آفرید سپیده دمی که افغانستان از خواب هزار ساله برخاست دمی که هرگز فراموش نخواهد شد یک روزگار شگفت انگیز امان الله غازی، یک دهه ای که تاریخ را دگرگون کرد در دل آسیا، آنجا که کوه ها های ژرف هزاران رمز ناگفته در خود نهفته دارند، سرزمینی بود که قرن ها در سکوت سنگین خویش فرو رفته بود آنگاه جوانی برخاست آن مردی که خورشید را با دست لمس کرد.....»

به همین منوال جفنگ گویی این اشخاص مدت هاست که روی کاغذ را سیاه نموده است. برای این نوع افراد و اشخاص، افغانستان فقط ده سال عمر دارد.

معلوم نیست که این اشخاص از کدام مرجع تمویل می شوند تا افکار وطنداران جوان ما را مغشوش بسازند، گرچه چندین مرتبه کوشیده ام تا به اندازه توانم در مورد همه جفنگیات این آشفته حال که گاه در مورد کاندید اکادمسین مشهور و گاهی هم از امان الله خان می نویسد، جواب بدهم و جواب داده ام، مگر بگفته مشهور "نرود میخ آهنین در سنگ".

اما این شخص غافل از این است و یا خود را نظر به هدایت و وظیفه که برایش داده شده است، به کوچه حسن چپ زده و از امان الله خان برای ما خدا و پیغمبر می سازد که حتی "با دستان خود آفتاب را لمس کرده باشد"، بخدا جفنگ گفتن هم حد و مرزی دارد.

افغانستان تنها ده سال عمر ندارد، نمی خواهم دوباره در مورد همین ده سال چیزی بنویسم زیرا تکراریست و همه وطنداران ما درایت این را دارند، که خوب را از بد و راست را از دروغ تشخیص دهند.

نام نامی افغانستان همیشه و در هر زمان درخشیده است. "الا در زمان کودتای خونین و ننگین هفتم

ثور ۱۳۵۷ و بعد هم تجاوز ننگین و خونین ششم جدی ۱۳۵۸"

اگر بخواهیم از پیشرفت افغانستان حرف بزنیم، عمده ترین پیشرفت در زمان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و ده سال صدارت شهید محمد داود خان به آرامی و آهستگی و با مد نظر گرفتن احساسات مردم بسیار با مهارت صورت گرفت و درخشید.

اما این وطنفروشان به کمک و یاری بادران خونخوار روسی خود، وطن را از بیخ و بنیاد تخریب نمودند و حالا هم بدون کوچکترین شرم و حیا تاریخ می نویسند و از چهارده سال خیانت و بربادی وطن چشم پوشی می کنند، هزاران هزار نفرین نثار شان باد. "نفرین کافی نیست، مرگ بر تمام این تخم حرام روسی و تمام آل و اولاد و احفاد شان باد، در هر کجا که هستند و به هر نام و اسم و رسمی که حیات ننگین شان را طفیلی وار میگذرانند و نان مفت زهر میکنند."